



# تطورشناسی سیره‌نگاری

با تکیه بر

نقش اصحاب امامان علیهم‌السلام

دکتر حسین حسینیان مقدم



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۵

حسینیان مقدم، حسین، ۱۳۴۰ -  
تطورشناسی سیره نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان (علیهم السلام) / حسین حسینیان مقدم. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،  
۱۳۹۵.  
هشت، ۳۲۸: مصور، جدول، نمودار. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۳۷۵: تاریخ: ۸۸)  
ISBN: 978-600-298-124-0 بها: ۱۵۸۰۰۰ ریال  
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
کتابنامه. ص. [۲۷۳] - ۲۹۰: همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
۱. محمد ﷺ، پیامبر اسلام، قبل از هجرت - ۱۱ ق. — سرگذشت نامه. ۲. Muhammad, Prophet — Biography.  
۳. اصحاب — تاریخ نویسی. ۴. Ashab — Historiography. ۵. ائمه اثناعشر — سرگذشت نامه. ۶. Imams — Biography (Shiites).  
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.  
۲۹۷/۹۴ ۱۳۹۵ ت ۵ ح / ۳۵ BP شماره کتابشناسی ملی  
۴۲۴۱۸۸۴



### تطورشناسی سیره نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان (علیهم السلام)

مؤلف: دکتر حسین حسینیان مقدم

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرایبی: اعتصام

ویرایش: اعتصام (اسماعیل یارمحمدی)

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۱۵۸۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۰۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu فروش اینترنتی

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ اسلام»؛ «تاریخ تشیع»، «تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام)» و «تاریخ تمدن» در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری فراهم آمده است که البته دیگر علاقه‌مندان به مطالعات تاریخ اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ نگاری نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسین حسینیان مقدم و نیز از ناظر محترم جناب آقای دکتر نعمت الله صفری فروشانی سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

پیشگفتار ..... ۱

### فصل اول : کلیات پژوهش

۱. مفهوم‌شناسی واژگانی.....	۷
۱-۱. اصحاب.....	۷
۱-۱-۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی.....	۷
۱-۱-۲. اصحاب در اصطلاح شیعی.....	۸
۱-۲. شیعه.....	۱۲
۱-۲-۱. مفهوم لغوی.....	۱۲
۱-۲-۲. مفهوم اصطلاحی.....	۱۲
۱-۳. امام.....	۱۴
۱-۳-۱. مفهوم لغوی.....	۱۴
۱-۳-۲. مفهوم اصطلاحی.....	۱۵
۱-۴. سیره.....	۱۶
۲. پیشینه‌شناسی پژوهش.....	۱۸
۳. منابع اصلی پژوهش.....	۲۴
۳-۱. فهرست ندیم.....	۲۵
۳-۲. رجال نجاشی.....	۲۷
۳-۳. فهرست طوسی.....	۳۱
۳-۴. رجال طوسی.....	۳۲
۴. دانش و نگارش اصحاب امامان <small>علیهم‌السلام</small> .....	۳۴
۴-۱. پیشینه نگارش.....	۳۴

- ۴-۲. ویژگی نگاهشده‌های اصحاب امامان (علیهم‌السلام): ..... ۳۹
- ۴-۳. خاستگاه و انگیزه صحابیان ائمه (علیهم‌السلام) ..... ۴۰
- ۴-۴. نگرش اصحاب امامان (علیهم‌السلام) در سیره‌نگاری ..... ۴۲
- ۴-۵. دادوستد علمی با مخالفان ..... ۴۴
- ۴-۶. عوامل ناپایداری کتاب‌ها ..... ۴۴

### فصل دوم: سیره نبوی

۱. سیره‌نویسان نخستین ..... ۴۸
۲. جایگاه سیره‌نویسی نزد اصحاب امامان (علیهم‌السلام) ..... ۵۰
۳. اصحاب سیره‌نویس ..... ۵۱
- ۳-۱. ابان بن تغلب ..... ۵۲
- ۳-۲. ابومخنف ..... ۶۰
- ۳-۳. ابومعشر سندی ..... ۶۹
- ۳-۴. عبدالله بن میمون قداح ..... ۷۲
- ۳-۵. ابان بن عثمان أحمَر ..... ۷۸
- ۳-۶. ابوالبختری وهب بن وهب قرشی ..... ۸۷
- ۳-۷. محمد بن ابی‌عمیر ..... ۹۳
- ۳-۸. هارون بن مسلم بن سعدان ..... ۹۸
- ۳-۹. بنوفضال ..... ۱۰۰
- حسن بن فضال ..... ۱۰۱
- علی بن فضال ..... ۱۰۲
- ۳-۱۰. احمد برقی ..... ۱۰۵
- ۳-۱۰-۱. جایگاه علمی احمد برقی ..... ۱۰۷
- ۳-۱۰-۲. آثار علمی احمد برقی ..... ۱۱۰
- ۳-۱۰-۳. سیره‌نگاری احمد برقی ..... ۱۱۱
۴. سخن فصل ..... ۱۱۲

### فصل سوم: سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)

۱. تعریف واژگانی اهل بیت (علیهم‌السلام) ..... ۱۱۷
۲. ضرورت سیره‌نگاری اهل بیت (علیهم‌السلام) ..... ۱۱۸
۳. پیشینه و اهداف سیره‌نگاری اهل بیت (علیهم‌السلام) ..... ۱۱۸
۴. پیشگام در سیره‌نگاری اهل بیت (علیهم‌السلام) ..... ۱۲۰
۵. نبردهای امام علی (علیه‌السلام) در تاریخ‌نگاری اصحاب امامان (علیهم‌السلام) ..... ۱۲۳

- ۱۲۳ ..... ۵-۱. جابر جعفی
- ۱۳۴ ..... ۵-۲. ابان بن تَعَلِب
- ۱۳۸ ..... ۵-۳. مؤمن طاق
- ۱۴۱ ..... ۵-۴. مُصَبِّح بن هِلْفَام عِجَلِي
- ۱۴۳ ..... ۵-۵. ابومخنف
- ۱۴۵ ..... ۵-۶. هشام کلبی
- ۱۴۸ ..... ۵-۶-۱. سیره‌نگاری هشام کلبی
- ۱۴۹ ..... ۵-۷. نصر بن مزاحم مِثْقَرِي
- ۱۵۶ ..... ۵-۸. ابوعبدالله سَيَّارِي
- ۱۵۷ ..... ۶. مقتل نگاری
- ۱۶۱ ..... ۶-۱. مقتل نگاران صحابی
- ۱۶۱ ..... ۶-۱-۱. أَصْبَغ بن نُبَاتَه مُجَاشِئِي
- ۱۶۳ ..... ۶-۱-۲. جابر بن یزید جعفی
- ۱۶۵ ..... ۶-۱-۳. عَمَّار دُهْنِي
- ۱۶۸ ..... ۶-۱-۴. رَسَّان اَسَدِي
- ۱۶۸ ..... ۶-۱-۵. جعفر بن عَفَّان طَائِي
- ۱۶۹ ..... ۶-۱-۶. ابومخنف
- ۱۷۲ ..... ۶-۱-۷. عبدالله بن ابراهیم جعفری
- ۱۷۶ ..... ۶-۱-۸. هشام کلبی
- ۱۷۸ ..... ۶-۱-۹. نصر بن مُزاحم مِثْقَرِي
- ۱۸۰ ..... ۶-۱-۱۰. محمد بن عبدالله کَزْخِي
- ۱۸۳ ..... ۶-۱-۱۱. محمد عباسی
- ۱۸۷ ..... ۷. قضا‌نگاری
- ۱۸۸ ..... ۷-۱. قضا‌گویی
- ۱۹۰ ..... ۷-۲. قضا‌نگاران
- ۱۹۰ ..... ۷-۲-۱. ابورافع
- ۱۹۱ ..... ۷-۲-۲. عبیدالله بن ابی‌رافع
- ۱۹۲ ..... ۷-۲-۳. أَصْبَغ بن نُبَاتَه مُجَاشِئِي
- ۱۹۲ ..... ۷-۲-۴. علی بن عبیدالله
- ۱۹۳ ..... ۷-۲-۵. محمد بن قیس بَجَلِي
- ۱۹۹ ..... ۸. خطبه‌نگاری در تاریخ‌نگاری اسلامی
- ۲۰۱ ..... ۸-۱. خطبه‌نگاران
- ۲۱۰ ..... ۹. وصیت‌نگاری در تاریخ‌نگاری اسلامی
- ۲۱۲ ..... ۹-۱. وصیت‌نگاران صحابی
- ۲۱۳ ..... ۱۰. میلادنگاری در تاریخ‌نگاری اسلامی

۲۱۴	..... ۱-۱۰. میلادنگاری تاریخی
۲۱۶	..... ۱-۱-۱۰. استمرار میلادنگاری
۲۱۹	..... ۲-۱۰. میلادنگاشته‌های تاریخ‌عنوان
۲۲۶	..... ۳-۱۰. میلادنگاشته‌های اخبار‌عنوان
۲۲۷	..... ۴-۱۰. تأثیر میلادنگاری بر وفات‌نگاری
۲۳۵	..... ۵-۱۰. مناظره‌نگاری
۲۳۵	..... ۱-۵-۱۰. بررسی واژگانی
۲۳۶	..... ۲-۵-۱۰. پیشینه و جایگاه مناظره
۲۳۷	..... ۳-۵-۱۰. پیشگام مناظره‌نگاری
۲۳۸	..... ۴-۵-۱۰. صحابی‌ان مناظره‌نگار
۲۳۸	..... ۱-۴-۵-۱۰. علی بن یقطین
۲۴۱	..... ۲-۴-۵-۱۰. حسن بن محمد توفلی
۲۴۳	..... ۳-۴-۵-۱۰. ابن زُمانه
۲۴۴	..... ۵-۵-۱۰. توسعه در مناظره‌نگاری
۲۴۴	..... ۱-۵-۵-۱۰. مناظره‌نگاشته‌های کلامی
۲۴۷	..... ۲-۵-۵-۱۰. مناظره‌نگاشته‌های فقهی
۲۴۸	..... ۳-۵-۵-۱۰. مناظره‌نگاشته‌های علوم پایه
۲۴۹	..... ۴-۵-۵-۱۰. مناظره‌نگاشته‌های ادبی
۲۵۰	..... ۱۱. دیگر تک‌نگاشته‌ها در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)
۲۵۰	..... ۱-۱۱. شورانگاری
۲۵۳	..... ۲-۱۱. کتاب‌های عبدالرحمان بن کثیر هاشمی
۲۵۷	..... سخن فصل
۲۶۱	..... فرجام سخن
۲۶۵	..... جدول‌ها و نمودارها
۲۷۱	..... پیشنهادها
۲۷۳	..... منابع و مأخذ

### نمایه‌ها

۲۹۱	..... نمایه آیات
۲۹۲	..... نمایه روایات
۲۹۴	..... نمایه اشخاص
۳۱۴	..... نمایه مکان‌ها
۳۱۶	..... نمایه کتاب‌ها



## پیشگفتار

پرداختن به علوم و ارتقای آن از شاخصه‌های مهم در تبیین شکوفایی تمدن اسلامی است. مسلمانان از قرن نخست به دانش سیره‌نگاری روی آوردند و در تلاشی همگانی و فراقه‌ای بالندگی تمدن اسلامی را سبب شدند. قرآن، آموزه‌های دینی، روایات نبوی و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام از عوامل این شکوفایی است، که بیش از هر چیز بر فراگیری علم و ارج نهادن به دانش، دانشمندان و دانش‌اندوزان تأکید کرده، احترام دانشمند را مساوی با احترام پروردگار و خیر دنیا و آخرت را در دانش و شر دنیا و آخرت را در نادانی دانسته است.

این تأکیدها و تشویق‌ها سبب تکاپوی علمی مسلمانان به‌ویژه اصحاب امامان علیهم‌السلام در بالندگی تمدن اسلامی شد و فضایی ایجاد کرد، که اندیشمندان با توجه به علاقه‌ها و توانمندی‌های خود به علوم رایج آن عصر از جمله سیره‌نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام روی آوردند و سیره‌نگاری را بنیان نهادند و سپس ارتقا دادند. در این میان اصحاب ائمه علیهم‌السلام با توجه به شرایط سیاسی-فرهنگی جامعه نگارش سیره‌نبوی را، که پیشتر آغاز شده بود، با رویکرد جدیدی استمرار بخشیدند و پیشتاز سیره‌نگاری اهل بیت علیهم‌السلام شدند. آنان در مجموع سیره‌نگاری را گسترش و تعمیق بخشیدند و ریزشاخه‌های مختلفی را در آن ایجاد کردند. طبیعی است که پیدایش این ریزشاخه‌ها نمودار تنوع مباحث و اهداف آن سیره‌نگاری است و می‌توان براساس آن سیر تاریخی و تحولات آن را بررسی کرد.

اصحاب امامان علیهم‌السلام با بن‌مایه دفاع از اندیشه امامت با رویکرد فضائل‌نگاری به نگارش سیره در دو حوزه سیره‌نبوی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام اقدام کردند و با آفرینش آثار متنوعی در رشد و گسترش تاریخ‌نگاری اسلامی و ریزجریان‌های داخلی آن تأثیر بسزایی داشتند. مطالعات تطبیقی

و مقایسه آثار تاریخی دو گروه فکری در تاریخ اسلام زمینه را برای تحلیل رویکردها در سیره‌نگاری و تأثیر سیره‌نگاری شیعه بر سیره‌نگاری رایج در قرن‌های نخستین را فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر براساس آثار مکتوب اصحاب امامان علیهم‌السلام، گزاره‌های تاریخی موجود از آنها در منابع پسینی و نیز با توجه به سیر زمانی نگارش آنها بنیان نهاده شده است و با رویکردی علمی و آمیزه‌ای از توصیف نقلی و تحلیل عقلی تلاش دارد سیره‌نگاری اصحاب امامان شیعه علیهم‌السلام را با تکیه بر ذهن‌شناسی صاحبان آثار، ذکر اخباری از آنان و ره‌گیری برخی اخبار در آثار و منابع بعدی و شیوه تطبیق و مقایسه اخبار بدون سند برای حدس زدن محتوای آثار بررسی کند. این بررسی از آن‌رو مهم می‌نماید که، برای احیای تمدن اسلامی، باید به گذشته بازگشت و با شناخت هویت اسلامی و علمی خویش برای ایجاد پیوستگی تاریخی تلاشی شایسته داشت. با چنین چشم‌اندازی سیره‌نگاری اصحاب امامان علیهم‌السلام در سه فصل به شرح ذیل تنظیم شده و به مسائلی مانند بنیان‌گذاری یا استمرار بخشی حرکت علمی، جایگاه علمی اصحاب، انعکاس اخبار آنان در نسل‌های بعدی، بستر حرکت علمی اصحاب، گونه‌شناسی فکری، صنف‌شناسی نگارشی، نوع‌شناسی تعامل آنان با دیگران و فرایندشناسی انتقال علوم به اصحاب و از آنان به آیندگان پرداخته است.

**فصل اول**، به کلیاتی می‌پردازد که بتواند با در نظر داشت تبیین مسئله، اهداف، پرسش‌ها، فرضیه‌ها، مفاهیم و روش تحقیق، چارچوب بحث را ترسیم کند و سپس پیشینه پژوهش و منابع آن را نشان دهد؛

**فصل دوم**، با عنوان سیره نبوی، سیره‌نویسان نخست، جایگاه سیره‌نویسی و صحابیان سیره‌نگار را بررسی کرده است؛

**فصل سوم**، با نام سیره اهل بیت علیهم‌السلام، سیره‌نگاشته‌های مربوط به امامان علیهم‌السلام را با در نظر داشت اهداف، پیشگامان و ریزشاخه‌های سیره‌نگاری اهل بیت علیهم‌السلام را شامل نبردنگاری، قضا‌نگاری، خطبه‌نگاری، مولدنگاری و مقتل‌نگاری تحقیق کرده است.

در میان آثار موجود، نگارش سیره اهل بیت علیهم‌السلام در این پژوهش به‌طور مستقل مورد توجه قرار گرفته است و به لحاظ اهمیتی که دارد، فصل مستقلی به آن اختصاص یافته است. این اهمیت به‌ویژه به لحاظ زمانی و تأثیرگذاری آن بر سیره نبوی قابل بررسی است، زیرا تاریخ‌نگاری اصحاب امامان علیهم‌السلام با سیره اهل بیت علیهم‌السلام آغاز شد، نگارش سیره نبوی را از انحصار مدینه زدود و

به عراق منتقل کرد و حرکت سیره‌نگاری را شتاب بخشید. با این حال، نگارش سیره‌ نبوی به دلیل شرافت رسول خدا ﷺ و تقدم رتبی سیره آن حضرت، پیش از سیره‌نگاری اهل بیت علیهم‌السلام بررسی شده است. مباحث درونی هر فصل نیز نسبت به اطلاعات آن فصل تنظیم شده است. از این‌رو، زیرمجموعه فصل سیره نبوی به دلیل تنوع نداشتن موضوعی براساس صحابیان و زیرمجموعه فصل سیره اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل تنوع موضوعی بر پایه موضوعات تقسیم و نام صحابیان ذیل ریزموضوعات آمده است.

پیش از ورود به مطالعه هر فصل مطالبی به اختصار آمده تا سیر مطالعه در آن فصل منسجم‌تر، با نگاهی فراگیرتر و برای ارزیابی راحت‌تر باشد. همچنین تلاش شده اسامی اشخاص و اماکن اعراب‌گذاری و برخی معرفی شوند تا جایگاه اخبار مربوط به آنان تبیین گردد، اصحاب همنام از یکدیگر شناخته شوند و سیر زمانی مباحث با آوردن تاریخ وفات نامبردگان تعیین گردد. وجود پاورقی‌های توضیحی و انتقادی به فهم عمیق‌تر مسائل کمک کرده است.

پژوهش درباره آثار اصحاب امامان علیهم‌السلام با دشواری‌های چندی روبه‌روست که گاهی پژوهشگر را تا مرز ناامیدی پیش می‌برد. از سویی تعداد بسیاری از این آثار مفقود هستند و جز نامی از آنها باقی نیست و نمی‌توان با بررسی آن متون، به نگرش و نگارش مؤلفان، اهداف و انگیزه‌های آنان پی برد. در این صورت تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در سیر زمانی تدوین آن علم و به دست دادن جایگاه آن نگاه‌ها کاری بس دشوارتر خواهد بود.

هماهنگ با فقدان آثار اصحاب، تشخیص برخی اخبار پابرجا از اصحاب و انتساب آنها به کتابی خاص دشواری دیگری در سیر پژوهش است. به‌ویژه که بسیاری از آنان در رشته‌های متعددی صاحب اثر هستند و بالاتر آنکه برخی در یک رشته معین آثار متعددی دارند و حتی برخی از این آثار در نام مشابه هستند. از این‌رو، پژوهش در چنین مسائلی پرزحمت و کم‌محصول می‌نماید و جز یافتن واقعیت تاریخی و مطلبی که توان اثبات نقش اصحاب امامان علیهم‌السلام را داشته باشد، جبران‌کننده‌ای در نظر نیست.

برای رسیدن به محتوای آثار اصحاب از شیوه‌های پیش‌گفته بهره برده شد که هر یک از آنها خود نیز در شمار دشواری‌های چنین پژوهش‌هایی است. اخباری نیز جز در مقایسه با اخبار کتاب‌های دیگر مؤلفان قابل کشف نیست. این مقایسه و تطبیق زمانی پیچیده‌تر می‌شود که نسل‌های بعدی خبر را بدون ذکر منبع یا مؤلف و با تغییراتی در عبارت‌پردازی آورده باشند.

کسانی مؤلف را در نگارش این اثر یاری داده‌اند که از همه آنان تشکر می‌شود، به‌ویژه زحمات دلسوزانه آقای دکتر اصغر منتظرالقائم قابل ستایش است، که در طول این تحقیق سخاوتمندانه راهنمایی‌های سودمند خود را اهدا می‌کرد و نیز تذکرها و ارزشمند آقای دکتر نعمت‌الله صفری فروشانی ستودنی است، که ارزیابی دقیق اثر را بر عهده گرفت. همچنین بذل عنایت ریاست محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، معاون محترم پژوهشی، آموزشی و فناوری، معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی و مدیر محترم گروه تاریخ آن پژوهشگاه را سپاسگزارم، که این اثر با مساعدت آنان منتشر شد. در این مجال فرصت را مغتنم می‌شمارم و از تلاش همه عزیزانی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر ایفای نقش کردند، به‌ویژه آقای اسماعیل یارمحمدی که ویرایش و نمایه‌گیری کتاب را برعهده داشته‌اند، سپاس می‌گویم.

حسین حسینیان مقدم

قم، تابستان ۱۳۹۵

## فصل اول

### کلیات پژوهش

بخش عمده هر فرهنگ و تمدنی محصول تفکر و دستمایه علمی پیروان آن است، که هویت علمی و معرفتی آنان را به نمایش می‌گذارد و این هویت هرچه پیشینه کهن‌تری داشته باشد، ریشه‌ها و لایه‌های آن بهتر قابل ترسیم است. از این‌رو، بررسی آن در میان رهبران و نسل‌های نخستین اهمیت بالایی دارد. به‌رغم مطالعات شایسته‌ای که در بررسی علل و عوامل شکوفایی تمدن اسلامی انجام شده است، اینکه امامان شیعه (علیهم‌السلام) به‌عنوان رهبران و عالمان دین یا اصحاب آنان در این باب چه نقشی ایفا نموده‌اند، پرسشی است که به‌ویژه در قرن اخیر، برخی را به انکار هرگونه نقشی وادار کرده است و از طرفی کسانی کوشیده‌اند تا بنیادی‌ترین نقش را برای آنان ترسیم کنند. این پژوهش با رویکردی علمی-تحلیلی، سیره‌نگاری را با تکیه بر نقش اصحاب امامان شیعه (علیهم‌السلام) در محدوده زمانی قرن‌های دوم و سوم در دو محور ذیل بررسی می‌کند:

الف) پایه‌گذاری، زمینه‌سازی، توسعه و حفظ یا استمرار سیره‌نگاری؛

ب) جایگاه علمی اصحاب سیره‌نگار، منابع معرفتی آنان (مانند تعالیم اسلامی و آموزه‌های شیعی)، گونه‌های فکری (مانند عقل‌گرایی و نقل‌گرایی)، صنف‌شناسی نگارشی، تعامل با مخالفان فکری-علمی (به‌عنوان مثال تعامل عقل‌گرایان و نقل‌گرایان که از تحمل و نقد تا نوعی تکفیر در نوسان است) و فرایند انتقال آن به اصحاب و از آنان به آیندگان.

مشارکت در تحولات علمی، بهره‌گیری از تعالیم اسلامی، همسویی با شرایط و اقتضائات زمانی، حرکت دوشادوشی دو جریان چالش‌گرا و چالش‌گریز و در نوسان بودن تعاملات علمی جریانات فکری در عرصه سیره‌نگاری فرضیه‌هایی هستند که این مطالعات را پشتیبانی می‌کنند. مطالعات با شیوه‌های تاریخی و براساس گزاره‌های تاریخی موجود در کتب تاریخی، ادبی،

تراجم، رجال و مانند اینها انجام می‌شود و با این حال، از دانش‌های فقهی، کلامی و حدیثی غافل نیست. نوشتار در مقام داوری با توصیف نقلی و تحلیل عقلی دامنه تحقیق را جمع و در مرحله تحلیل از سه شیوه ذهن‌شناسی صاحبان آثار، ره‌گیری اخبار آنان در آثار و منابع بعدی و شیوه تطبیق و مقایسه اخبار بدون سند برای حدس زدن محتوای آثار استفاده می‌کند.

به‌طور کلی پژوهش در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی برای بازیابی هویت اسلامی، رفع گسستگی تاریخی و ایجاد پیوستگی تاریخی است، نه به منظور فخرفروشی به گذشته‌های دور، که جز افتخار جاهلانه و افسوس اثری ندارد. در شعری منسوب به امام علی علیه‌السلام آمده است، فرزند هر که هستی باش، ادب بیاموز، که ادب نیکو تو را از نسب بی‌نیاز می‌کند، جوانمرد کسی است که بگوید من این هستم، نه آن، که بگوید پدر من که بود.<sup>۱</sup>

این پژوهش، همسو با چنین هدفی تلاش دارد توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی را، نه در گرو طائفه‌ای خاص، که محصول تلاش جمعی مسلمانان نشان دهد. اثر آفرینی بیشتر و ماندگارتر در طول زمان برای گروه‌های همسو با اندیشه‌های اجتماعی رایج و همخوان با تفکر عمومی حکومت‌ها طبیعی است، اما نقش شیعه و اصحاب امامان علیهم‌السلام به‌عنوان پیشگامان حرکت علمی در جهان اسلام را نمی‌توان نادیده گرفت. از سوی دیگر، تناسب جمعیت و حجم آثار در طی قرون متمادی، گواه نقش‌آفرینی شیعه و تأثیرگذاری اصحاب امامان علیهم‌السلام است.

اصلاح تفکر استبداد علمی در میان برخی سنیان و شیعیان و پی‌بردن به واقعیت‌های تاریخی، زمینه‌های پدیداری تعامل علمی بیشتر و عزمی راسخ‌تر را برای ارتقای سطح دانش در حوزه علم تاریخ فراهم می‌آورد و ضرورت دارد در عصر خیزش مجدد تمدن اسلامی، سهم اصحاب امامان شیعه علیهم‌السلام مورد بررسی علمی و روشمند قرار گیرد. به‌ویژه که مسلمانان پس از دو مرحله اوج و فرود تمدن اسلامی، بار دیگر دست به کار احیای آن شده‌اند تا با تکیه بر پیشینه علمی خود آینده‌ای بهتر ترسیم کنند و در بحث ماهیت‌بخشی جغرافیایی به دانش، برای مسلمانان و شیعیان نقش تعیین‌کننده‌ای تعریف نمایند.

۱. محمودی، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۷۰؛ یاقوت (معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۷۱۶) این اشعار را به ابوریعه نحوی نسبت داده است. متن شعر با تفاوت‌هایی نقل شده است؛ بنگرید: ندیم، فهرست، ص ۲۱۸؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۳۶۵؛ راغب، محاضرات الادباء و محاورت الشعراء والبلغاء، ج ۱، ص ۴۸ و ۴۱۲؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۲۶، ص ۴۱.

## ۱. مفهوم‌شناسی واژگانی

### ۱-۱. اصحاب

#### ۱-۱-۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی

دو واژه اصحاب و صحابی در لغت از «صُحبت» و «صَحَابت» گرفته شده و به معنای معاشرت و ملازمت است و در آن هیچ نوع دلالتی بر مقدار و نوع معاشرت وجود ندارد. سخاوی در معنای لغوی صحابی، کمترین مرتبه‌ای را که اسم صحابی بر او اطلاق شود، کافی دانسته است.<sup>۱</sup> بنابراین، صُحبت و مصاحبت مفهومی فراگیر دارد و در کاربرد آن اندک رابطه‌ای میان دو نفر یا جامعه و فرد با هر عقیده و انگیزه‌ای، تشابه در صفتی یا اشتراک در کمترین چیزی کافی است. از این رو، این واژه بر هم‌آوردِ جنگی و حتی به‌طور مجازی بر می‌تی که هیچ‌گونه ملازمت و معاشرت با زنده نداشته به‌کار رفته است.<sup>۲</sup> این واژه به همه معانی لغوی خود در قرآن به‌کار رفته است و از آنجایی که در ساختار ادبی به شکل مضاف می‌آید، منحصر به یک طیف، گروه، تفکر، هدف و سرانجام خاصی نیست. برای آگاهی بیشتر به واژه‌های برگرفته از ریشه «صُحبت» در قرآن مانند: اصحاب، صاحب، صاحبه و تصاحبی مراجعه شود.

اما «صحابی» در اصطلاح به مجموع یاران رسول خدا ﷺ، شامل مهاجرین، انصار و حتی منافقین<sup>۳</sup> گفته می‌شد؛ ولی مسلمانان در دوره‌های بعد منافقان را از دایره مفهومی صحابه خارج کردند.<sup>۴</sup> بنابراین واژه صحابی که در عصر رسالت، در نهایت وضوح بود، در گذر زمان، مبهم و مورد اختلاف فقها، محدثان و تراجم‌نگاران شد. از این رو، دانش صحابه‌نگاری برای تعریف و شناخت صحابیان و بیان شرح حال آنان به وجود آمد و واژه صحابه در میان مسلمانان مفهوم خاص‌تری یافت و دیدگاه‌های متنوعی در معنای اصطلاحی آن ارائه شد. فقها و اصولی‌ها طول مدت را در مفهوم آن شرط کردند و محدثان با تکیه بر معنای لغوی، آن شرط را نفی کردند و برای تحقق عنوان صحابی، ملاقات هر مسلمانی را با رسول خدا ﷺ کافی دانستند. مستوفی اختلاف آرای دانشمندان را در عبارتی جامع و کوتاه چنین بیان کرده است:

۱. ابن حجر، الاصابة فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۷. برای آگاهی بیشتر نک: خطیب بغدادی، الکفایة فی علم الروایة، ص ۷۰؛ جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۱۶۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۱۹ و ۵۳۱.
۲. به‌عنوان نمونه بنگرید: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۶۸؛ نصر بن مؤزح، منقری، وقعة صفین، ص ۲۷۵.
۳. نک: واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۱۸ و ۴۲۱؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۲.
۴. نک: ابن حزم، الاحکام فی اصول الاحکام، ج ۵، ص ۶۶۳.

«برخی از علمای اسلام گفته‌اند که صحابه کسانی‌اند که رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دیده باشند، با او صحبت داشته و بدو ایمان آورده باشند. برخی گفته‌اند: با این صفات، باید که راوی حدیث [نبوی] باشند و برخی گفته‌اند: با این صفات، باید که در غزوات با او هم بوده باشند و برخی گفته‌اند: با این صفات، باید که طول زمان صحبت یافته باشند»<sup>۱</sup>.

### ۱-۱-۲. اصحاب در اصطلاح شیعی

واژه‌های صحابه و اصحاب درباره‌ی یاران امامان علیهم‌السلام نیز به‌کار رفته است. گویا تعریف صحابه و راه‌های شناخت آن از طریق اهل سنت به منابع شیعه راه یافته و شیعه با پذیرش تعریف مشهور اهل سنت بیشتر درصدد نقد نظریه عدالت صحابه و احکام صحابی برآمده و همان تعریف صحابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به صحابه امام علیه‌السلام تعمیم داده است. تعریف شیعه از تابعی، به معنای کسی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ندیده، اما اصحاب آن حضرت را دیده، می‌تواند تأکیدی بر گرفتن این تعاریف از اهل سنت باشد.

شیعه با توجه به معیار تقوا در برتری انسان‌ها و لحاظ جنبه‌های انسانی، معتقد به امکان لغزش برای صحابه و حتی منقصتی در حد کفر است.<sup>۲</sup> همچنین شیعه تقدیس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نه به عادل‌پنداری همه صحابه، که به حفظ سنت ایشان از تشویه‌گری دروغ‌گویان می‌داند،<sup>۳</sup> به‌گونه‌ای که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اصحاب خود فرمود: بر من دروغ نزنید<sup>۴</sup> و امت اسلامی را از کثرت دروغ‌گویان هشدار داد.<sup>۵</sup>

از این‌رو، رجال‌شناسان شیعه، صحابه امامان علیهم‌السلام را مسلمانی می‌دانند، که بدون در نظر داشت توثیق یا تضعیف، امامی را ملاقات کرده و مسلمان از دنیا رفته باشد، حتی اگر با امام علیه‌السلام در باورها و مسائل فکری، سیاسی یا اجتماعی همخوانی نداشته باشد. به‌عنوان مثال، منصور خلیفه دوم عباسی و عبدالرحمان بن کثیر هاشمی حدیث‌ساز در شمار اصحاب امام صادق علیه‌السلام یاد شده‌اند.<sup>۶</sup>

۱. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۲۰۷. برای مطالعه بیشتر بنگرید: خطیب بغدادی، الکفایة فی علم الروایة، ص ۶۸؛ ابن حجر، فتح الباری، ج ۷، ص ۲-۳؛ سیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، ج ۲، ص ۲۱۳-۲۱۵؛ ابن صلاح‌الدین، مقدمة ابن الصلاح، ص ۱۷۵.  
 ۲. حسین بن عبدالصمد، وصول الآخيار الى أصول الأخبار، ص ۱۶۵-۱۶۶.  
 ۳. شرف‌الدین، النص والاجتهاد، ص ۵۲۰-۵۲۱. ۴. بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۳۵.  
 ۵. صدوق، الاعتقادات فی دین الامامیه، ۱۱۸.  
 ۶. طوسی، رجال، ص ۲۲۹ و ۲۷۷ و نک: ص ۲۳۷؛ نجاشی، رجال، ص ۲۳۵.



همچنین محمد بن عبدالله بن مهران کَرخی از اصحاب امام جواد (علیه السلام) و امام هادی (علیه السلام)، در شمار غالیان، فاسد مذهبیان و دروغ پردازان است.<sup>۱</sup>

این شمول و گستره در تعریف صحابی از آن روست که اصحاب مرادف راوی است و کارکرد اصلی تعریف اصحاب، شناخت راویان حدیث است. طوسی در کتاب رجال خود، با این رویکرد فقط درصدد جمع آوری نام کسانی است، که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یا امامان (علیهم السلام) روایت نقل کرده باشند.<sup>۲</sup> بدین ترتیب طوسی جز در موارد استثنایی از ورود به توثیق یا تضعیف راویان پرهیز می کند. آنچه نگاه حدیثی طوسی را در تعریف اصحاب تأکید می کند آن است که بابتی به نام «من لم یرو عن الائمه (علیهم السلام)» در پایان کتاب خود گشوده و کسانی را که از امامان هم عصرشان روایت نکرده اند یا پس از عصر آنان زیسته اند، در آن باب یاد کرده است. در این میان، وجود نام برخی افراد در باب اصحاب و هم در باب پایانی، تعریف طوسی را متزلزل می کند. به عنوان مثال نام عباس (عبیس) بن هشام، ابوالفضل ناشری اسدی را هم در شمار اصحاب امام رضا (علیه السلام) و هم در باب غیر راویان آورده است.<sup>۳</sup>

شاید در نگاه ابتدایی تعارضی این چنین به نظر رسد که طوسی در تعریف اصحاب، نگاه حدیثی نداشته و نقل روایت را ملاک صحابی بودن ندانسته است. مامقانی برای اثبات نگاه حدیثی وی در تعریف اصحاب و حلّ این مشکل، راویان را به سه دسته تقسیم کرده است: برخی بی واسطه و برخی با واسطه از امام (علیه السلام) و کسانی نیز گاه با واسطه و گاه بدون واسطه از امام (علیه السلام) حدیث نقل کرده اند. آنگاه گوید: طوسی کسانی را که هم در باب اصحاب امامان (علیهم السلام) و هم در باب پایانی کتابش آورده به این اعتبار است که گاه با واسطه و گاه بدون واسطه نقل روایت کرده اند.<sup>۴</sup>

گرچه از دیرباز تاکنون در میان عالمان رجال شناس نگاه حدیثی بر تعریف اصحاب سایه افکنده است؛ اما گویا اشخاصی مانند سید حسن صدر معتقدند صحابی تعریفی محدود دارد و جز اندک افراد برجسته ای را شامل نمی شود و همین که شخصی در شمار اصحاب امام (علیه السلام) قرار گیرد، امامی و در بردارنده نوعی مدح است. دلیل وی آن است که علمای رجال، مذهب راوی را مگر در موارد تردید آمیز بیان نمی کنند. او معتقد است جز مواردی اندک همه اصحاب و راویان امامی مذهب هستند. دلیل دیگر او آنکه صرف ارتباط با امام (علیه السلام) و اخذ روایت از او دلیل بر حال نیکوی وی و بالاتر

۱. طوسی، همان، ص ۳۷۸؛ نجاشی، همان، ص ۳۵۰. ۲. طوسی، همان، ص ۴۰۵-۴۵۲.

۳. نک: همان، ص ۳۶۲ و ۴۳۵. ۴. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۹۴.

آنکه راهی برای پی‌بردن به عدالت اوست.<sup>۱</sup> صدر با همین نگاه همه اصحاب امامان علیهم‌السلام را شیعه و بنیان‌گذاران علوم در جهان اسلام خوانده و کتاب تأسیس الشیعه را تدوین کرده است. به احتمال سخن و ادله صدر برگرفته از روایاتی باشد، که امام صادق علیه‌السلام اصحاب خود را مدح کرده است:

– بنابر روایتی امام علیه‌السلام سه معیار برای شناخت اصحاب خودش بیان کرده است: یکی شدت پرهیزکاری (ورع)، دیگری خداترسی و سومی امید به پاداش الهی. آنگاه افزود: اگر کسانی را با این ویژگی‌ها یافتی آنان اصحاب من هستند؛<sup>۲</sup>

– هنگامی که به امام صادق علیه‌السلام گفتند، اصحاب تو زشت‌گویی می‌کنند، فرمود: زشت‌گویان اصحاب من نیستند، اصحاب من فقط پرهیزکاران و نیکوکاران هستند.<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد مراد از اصحاب در این موارد نه راویان و شیعیان، بلکه برخی شیعیان خاص هستند. تطبیق دو روایت زیر با یک محتوای تقریبی کارکرد مفهوم صحابه را در معنای شیعه خاص نشان می‌دهد: امام باقر علیه‌السلام در روایتی فرمود: اطعام یک تن از شیعیانم بهتر از اطعام گروهی از مردم است و در روایت دیگری فرمود: اطعام یک تن از اصحابم ... بهتر از آزادی بنده‌ای است.<sup>۴</sup> شاهد این سخن آنکه کلینی این دست روایات را در باب «علامات و صفات مؤمن» و قاضی نعمان در باب «صفات الشیعه» آورده است. روایتی دیگر از مُفَضَّل بن عُمَر از امام صادق علیه‌السلام در همین باب با اندک تفاوت و افزوده‌ای مشابه روایت نخست است، که نشان از تفسیر «اصحاب» به «شیعه» است. زیرا در ذیل روایت نخست تعبیر «فهؤلاء اصحابی» و ذیل این روایت «فأولئک شیعة جعفر» آمده است.<sup>۵</sup>

تفسیر واژه اصحاب به شیعه خاص، محدوده مفهومی این واژه را به تعدادی اندک کاهش می‌دهد. همان‌گونه که امام صادق علیه‌السلام نیز به این کاهش تصریح کرده است. هنگامی که ابوصباح کِنانی به حضرت گفت: ما در کوفه، جعفریه نامیده و به آن سرزنش می‌شویم، فرمود: شمار اصحاب جعفر اندک است، اصحاب جعفر کسی است که پرهیزکاری او زیاد و عمل او برای خالقش باشد.<sup>۶</sup> در روایتی دیگر دایره این کاهش را به چند تن از اصحاب خاص خود

۱. صدر، نهاية الدرايه، ص ۴۲۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۶.

۳. قاضی نعمان، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۰۳.

۴. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۱ و نک: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۶.

۵. کلینی، همان، ص ۲۳۳؛ قاضی نعمان، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۰۴ و نک: برقی، همان، ص ۳۹۲.

۶. کلینی، همان، ص ۷۷.

تفسیر کرد و فرمود: اصحاب پدرم آراسته و بی عیب بودند یعنی زراره، محمد بن مسلم، ابو بصیر مرادی و بُرید عَجَلی، اینان بر پاکندگان عدالت و پیشی گیرندگان و نزدیک شدگان بودند.<sup>۱</sup>

تعریف اصحاب به شیعیان خاص و پیروان برجسته محدود نمی شود و اگر مستند صدر روایات پیش گفته باشد، نباید در کتاب تأسیس الشیعه محمد بن اسحاق و افرادی مانند وی یاد شوند. در هر صورت تعریف وی مورد پذیرش رجال شناسان نیز قرار نگرفته است.

به گفته خویی، مفید، طوسی، ابن شهر آشوب، حرّ عاملی و دیگران نیز اصحاب را با منظر حدیثی معنا کرده و آن را شامل همه کسانی دانسته است که از یکی از امامان (علیهم السلام) روایت نقل کرده باشد و بدین ترتیب برخی شمار اصحاب امام صادق (علیه السلام) را به چهار هزار تن، شامل منصور عباسی نیز رسانده اند. این گستره در بحث حدیث شناسی جایگاه و نقش ثقه شناسی<sup>۲</sup> را برای استفاده از روایات اصحاب نشان می دهد. خویی در ادامه تصریح دارد که پرهیز از پذیرش این سخن، سبب تکرار نظریه عدالت صحابه در میان شیعه می شود.<sup>۳</sup>

بنابراین اصحاب در عرف شیعه چه اصحاب رسول خدا ﷺ و چه اصحاب امامان (علیهم السلام) در مدح و ذم، عدالت، راست کرداری و ناراست کرداری برابر و دارای یک حکم هستند. بدین سان برخی اصحاب امامان (علیهم السلام) مانند ابوالخطّاب محمد بن مقلّاص آسدی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) به دلیل انحراف مورد لعن و طرد قرار گرفت. دانشیان رجال انحراف عقیدتی و عملی راویان را از امانتداری علمی و راستگویی تفکیک کرده اند تا از علوم آنان استفاده شود.<sup>۴</sup> تمرکز این تحقیق بر نقش اصحاب از آن روست، که آنان با امام (علیه السلام) ارتباط مستقیم داشته اند و راحت تر می توانسته اند فرامین و اشارات آنان را دریابند. بر این پایه، این نوشتار اشاره ای ضمنی نیز بر نقش امامان (علیهم السلام) در سیره نگاری هم هست.

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۹۹.

۲. اصطلاح «ثقه» در علم رجال اهل سنت کسی است که به حدیث وی استناد و احتجاج می شود. «محلّه الصدق» معادل «صدوق» یا «لا بأس به» کسی است که حدیثش نوشته می شود؛ اما در آن نظر می شود. در واقع صدوق منزلتی پایین تر از ثقه دارد. «شیخ» نیز در حکم صدوق، اما با منزلتی پایین تر به کار می رود. «مِنْ عَثَقِ الشَّيْخَةِ» معادل «جَلَد» به معنای قدیم، تند و قوی در تشیع است؛ ذهبی، الکاشف، ص ۳۶۵.

۳. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۵-۵۷.

۴. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۷۶ و ۵۸۵.

۵. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۱۵۲.

## ۱-۲. شیعه

### ۱-۲-۱. مفهوم لغوی

واژه شیعه در بردارنده دو معنای کلی است: یکی آشکار کردن و گسترش دادن و دیگری یاری کردن. شیوع، شایع، شایعه و مُشاع زیرمجموعه معنای اول و مشایعت و تشیيع به معنای همراهی کردن زیرمجموعه معنای دوم است. به شجاع مُشَيِّع گفته می‌شود، زیرا چنان توانمند است، که گویی با یاری دیگران، توان گرفته است. اطلاق شیعه به معنای یاران، پیروان و انصار نیز برگرفته از معنای دوم است.<sup>۱</sup>

در واژه شیعه به معنای یاران و پیروان، تمایز و تشخیص اجتماعی آشکار و بیانگر جمعیت، گروه، فرقه یا حزب است. از این رو، لغت‌شناسان شیعه و جمع آن «شِيع» را به معنای فرقه و دسته معنا کرده و گفته‌اند: به هر گروهی که بر امری اجتماع کنند یا قومی که اعتقادی بر خلاف دیگران داشته باشند، شیعه گفته می‌شود.<sup>۲</sup> کاربرد تاریخی این واژه، نیز این ادعا را تأیید می‌کند. اما «تَشِيْع» به مذهب شیعه اطلاق می‌شود. «تَشِيْعُ الرَّجُل» یعنی به مذهب شیعه درآمد، همان‌گونه که تَحَنَّفَ یا تَشَفَّعَ یعنی حنفی مذهب یا شافعی مذهب شد. تَشِيْع و شیعه به طور مجازی بر مدعی شیعی بودن نیز اطلاق می‌شود.<sup>۳</sup>

در قرآن شیعه به معنای پیرو، به شکل مضاف و شیعَت گاهی به معنای گروه و غیرمضاف آمده است.<sup>۴</sup> واژه اشیاع به معنای هم‌مسلمانان<sup>۵</sup> نیز در قرآن وجود دارد<sup>۶</sup> و این نشان می‌دهد که در هم‌مسلمکی (موافقت و شباهت) نوعی پیروی نهفته است و تقدم یا تأخر زمانی در آن تفاوتی ندارد. از این رو، با اینکه اقوام گذشته بر مشرکان تقدم زمانی داشتند، شیعیان مشرکان نامیده شدند، زیرا در انکار خداوند موافق و مشابه آنان بودند.<sup>۷</sup>

### ۱-۲-۲. مفهوم اصطلاحی

احادیثی از رسول خدا ﷺ ذیل آیه «خَيْرُ الرِّيَّةِ»<sup>۸</sup> روایت شده که بر پایه آنها پیروان امام علی (علیه السلام) شیعه آن حضرت و بهترین مردم معرفی شده‌اند. به گفته ابن عباس با نزول آیه «خَيْرُ الرِّيَّةِ» رسول خدا ﷺ

- |  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| ۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۵۱۵. | ۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۸. |
| ۳. زبیدی، تاج العروس، ج ۱۱، ص ۲۶۰.     | ۴. نک: صافات، ۸۳؛ قصص، ۱۵؛ مریم، ۶۹.  |
| ۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۸.  | ۶. قمر، ۵۱.                           |
| ۷. نک: سبأ، ۵۴.                        | ۸. بینه، ۷.                           |

به امام علی (علیه السلام) فرمود: تو و شیعه تو در قیامت از خداوند خشنود هستید و خداوند نیز از شما خشنود است.<sup>۱</sup> جابر بن عبدالله انصاری نیز گفته است رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سوگند یاد کرد که علی (علیه السلام) و پیروانش در قیامت رستگار هستند و هرگاه او بر اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد می شد، می گفتند: «خَيْرُ الرِّيَّةِ» آمد.<sup>۲</sup>

گویا براساس این روایات، شیعه ناظر بر معنای لغوی، اسمی خاص<sup>۳</sup> برای کسانی شد که از امام علی (علیه السلام) پیروی می کنند و معتقدند امامت و خلافت آن حضرت براساس نص و وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است. اینان بر این باورند که امامت جز با ظلم و ستم دیگران و یا با تقیّه خود آنان از خاندان آن امام (علیه السلام) بیرون نمی رود و گویند: امامت در صلاحیت و اختیار مردم نیست و امام با نصب مردم روی کار نمی آید، بلکه از اصول و ستون دین است که نه غفلت از آن برای انبیای الهی جایز است و نه می تواند به مردم تفویض شود.

شهرستانی اصول مشترک فرقه های شیعی را در سه اصل خلاصه کرده است: وجوب تعیین و تنصیب امام، عصمت از گناهان کبیره و صغیره و دوستی و بیزاری در گفتار و کردار، مگر در حال تقیه. آنگاه کیسانیه، زیدیه، امامیه، غلاة و اسماعیلیه را مهم ترین فرقه های شیعه دانسته است.<sup>۴</sup> درباره تعداد فرقه های شیعه اتفاق نظر وجود ندارد. برخی غلات را از مفهوم مسلمانی خارج<sup>۵</sup> و شیعه را کسی می دانند که امام علی (علیه السلام) را بر دیگران مقدم بدارد، گرچه موافق امامان بعدی نباشد، بنابراین، امامیه، جاوردیه، غیرملحدان از اسماعیلیه، واقفیه، فطحیه و امثال آنان را شیعه می دانند.<sup>۶</sup>

برخی سنیان، شیعه را در مفهومی وسیع تر به کار برده اند و تمام فرقه های منشعب از شیعه، حتی غالیان و ملحدان را شیعه شمرده اند. افزون بر آن، دوستداران اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یا برخی را که از اهل بیت (علیهم السلام) نامی یا روایتی آورده باشند، شیعه نامیده اند. برخی عالمان شیعی نیز بر همین مبنا نام آورانی از اهل سنت مانند واقدی را شیعه پنداشته اند،<sup>۷</sup> در حالی که مفید وی را عثمانی مذهب دانسته است.<sup>۸</sup> این توسعه مفهومی از سوی اهل سنت برای طرد متمایلان به

۱. سیوطی، الذر المنتور، ج ۶، ص ۲۷۹.

۲. همان جا.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۹.

۴. شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۶.

۵. مفید، اوائل المقالات، ص ۱۸۰.

۶. شهید ثانی، شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۳، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۷. امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۵۳-۱۵۵.

۸. مفید، الجمل، ص ۱۱۲.

اهل بیت علیهم‌السلام است و برخی شیعیان تمایل را دلیل شیعی بودن شمردند. از این‌رو، باید میان شیعه اعتقادی با دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام تفکیک قائل شد، همان‌گونه که جعفریان سه معنای متفاوت برای شیعه بیان کرده است.<sup>۱</sup>

امروزه شیعه به امامیه اطلاق می‌شود و دیگر فرق شیعه با ذکر قرینه مشخص می‌گردند. امامیه، به‌طور عام، شامل تمام معتقدان به امامت علی علیه‌السلام پس از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با نص آشکار از سوی آن حضرت می‌شود. این اصطلاح در عرف خاص، بر شیعه دوازده امامی اطلاق شده است.<sup>۲</sup> شیعه در این تحقیق بر پایه همان مفهوم عرفی، به امامیه گفته می‌شود، مگر اینکه با قرینه مشخص شود و امامیه در عصر امامان علیهم‌السلام نیز به کسانی گفته می‌شود که در عصر هر امامی، به امامت وی و امامان پیش از وی معتقد باشد و امام حاضر را معرفی شده از سوی امام قبلی بداند. اصطلاح «طائفه» نیز در تشیع دوازده امامی رایج است، به‌گونه‌ای که شیخ طوسی (م ۴۶۰) شیعه را طائفه مُحَقَّقه (گروه بر حق) نامید و خود از سوی شیعیان به‌عنوان افتخارآمیز «شیخ الطائفه» (عالم بزرگ گروه) لقب یافت.<sup>۳</sup>

### ۱-۳- امام

#### ۱-۳-۱. مفهوم لغوی

أم در فرهنگ عرب مفهوم جامعی دارد که از آن چهار معنای نزدیک به هم بدین شرح منشعب می‌شود: اساس و پایه هر چیز، مرجع و قرارگاه، جماعت و دین. برای هر یک از این معانی در ادبیات عرب و قرآن شواهدی وجود دارد؛ اما امام برگرفته از «أم» به معنای پیشوا، کسی است که در تمام امور بر دیگران پیشی دارد. به‌عنوان مثال گفته می‌شود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیشوای رهبران، خلیفه مقتدای رعیت و قرآن امام مسلمانان است.<sup>۴</sup>

امام می‌تواند، هدایت‌گر و گمراه‌کننده،<sup>۵</sup> آدمی یا غیر آدمی، دارای ریاست ظاهری و غیر آن باشد. از این‌رو، به ریسمان‌کار بتایی، طلای معیار در ضربخانه، راه، فرمانده لشکر، الگوی ساخت و کتابی که شخص می‌خواند، امام گفته می‌شود. راهبری در مسئله هدایت مهم است و

۱. جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۱۹.

۲. شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۶۴-۱۶۹.

۳. هالم، تشیع، ص ۱۸.

۴. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۲۱-۲۸.

۵. نک: انبیاء، ۷۳؛ قصص، ۴۱.

جلو بودن فیزیکی هدایت‌کننده نقش و اعتباری ندارد. از این‌رو، ساربان‌ی که پشت سر شتران سرود حُدی می‌خواند، تا آنها را بهتر براند، «امام الایلی» می‌نامند.<sup>۱</sup> امام به معنای جلو و نقیضِ پشتِ سر است و در قرآن یک مرتبه آمده است.<sup>۲</sup>

### ۱-۳-۲. مفهوم اصطلاحی

امام در اصطلاح اسلامی به جانشین رسول خدا ﷺ گفته می‌شود و دانشمندان شیعه و سنی به اجمال پذیرفته‌اند که امام ریاست عامه در امور دینی و دنیایی دارد. برخی برای اینکه تعریف امام به نبوت نقض نشود، گفته‌اند امام در امتداد وجود نبوی ﷺ برای حفظ، نگهبانی و حمایت از امانت آن حضرت است.<sup>۳</sup> ایچی نیز امام را جانشین رسول خدا ﷺ در برپایی و اقامه دین دانسته و پیروی او را بر مردم واجب شمرده است.<sup>۴</sup> امام در اصطلاح خاص شیعه امامیه به امامان دوازده‌گانه گفته می‌شود،<sup>۵</sup> چه خلافت ظاهری داشته باشد یا نداشته باشد.

در روایتی از امام باقر (علیه السلام)، هنگامی که آیه «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»<sup>۶</sup> نازل شد، رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود که او امام مبین است، امامی که خدای متعال دانش هر چیزی را در او حفظ کرده است.<sup>۷</sup> بنا بر روایتی، امیرالمؤمنین (علیه السلام) سوگند یاد کرد که من امام مبین هستم.<sup>۸</sup> طباطبایی ضمن تفسیر امام مبین به لوح محفوظ، در سند این دو روایت تردید کرده؛ اما (از باب تطبیق) محتوای آن‌دو را پذیرفته است.<sup>۹</sup> یازده امام بعدی در نگاه شیعی همگان از فرزندان فاطمه (علیها السلام) هستند که هر امام از سوی امام پیش از خود تعیین می‌گردد و افزون بر عصمت باید بر دیگران برتری علمی و عملی داشته باشد.

۱. صدوق، معانی الأخبار، ص ۹۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۴-۲۵.

۲. نک: قیامت، ۵.

۳. طبری، دلائل الامامه، ص ۱۷؛ ابن جبر، نهج الایمان، ص ۳۳؛ حلی (محقق)، المسلك فی اصول الدین، ص ۱۸۷ و ۳۰۶ و حلی (علامه)، نهج الحق و كشف الصدق، ص ۱۷۱.

۴. ایچی، المواقف، ج ۳، ص ۵۷۳.

۵. شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۷۳.

۶. صدوق، معانی الأخبار، ص ۹۵.

۷. یس، ۱۲.

۸. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۱۲.

۹. طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۶۷ و ۷۰.

#### ۱-۴. سیره

سیره از «سیر» به معنای رفتن و جریان داشتن گرفته شده و در لغت به هر حالت خوب و بدی گفته می‌شود که انسان یا غیرانسان آن را به‌طور غریزی یا اکتسابی داشته باشد.<sup>۱</sup> «سیرتِهَا الْأُولَى»<sup>۲</sup> در قرآن نیز به همین معنا به‌کار رفته است. در قرآن امام علی علیه‌السلام دربارهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «سیرتُهُ الْقُصْدُ»<sup>۳</sup> اعتدال راه و رسم او بود؛<sup>۴</sup> اما سیره در اصطلاح مورخان گاهی به حالات و عملکرد شخص، خاندان یا یک گروه یا حوادثی گفته می‌شود، که در عصر یک شخص، خاندان یا گروهی رخ داده باشد. نگاهشده‌های تاریخی این سخن را تأیید می‌کند. برخی مورخان حوادث عصر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را «السیرة النبویه» نامیده‌اند و عوانة بن حکم سیرة معاویة و بنی‌امیه<sup>۴</sup> را نگاهشده است. از آنجایی که سیره گاهی در مفهوم نوع برخورد با یک حادثه یا جریانی خاص به‌کار می‌رود، حسین بن علی بزوفری کتاب سیرة النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم والائمة علیهم‌السلام فی المشرکین<sup>۵</sup> را نوشت. سیره بدون هرگونه قیدی در مفهوم سیرة نبوی به معنای مجموعه رخدادهای عصر رسالت به‌کار رفته و ابراهیم بن محمد ثقفی نیز کتاب خود را السیره<sup>۶</sup> نامیده است. سیره‌نویسان عملاً در محدودهٔ زمانی سیره اختلاف نظر دارند. برخی آن را به حالات شخص یا مجموعه حوادث عصر زندگانی شخص محدود می‌کنند و برخی شامل اخبار یا حوادث مربوط به وفات وی نیز می‌دانند. به‌عنوان مثال، واقدی با تفکیک این دو، کتاب سیرة ابی‌بکر و وفاته<sup>۷</sup> را نوشت و ابن‌اسحاق نمایندگی دستهٔ دوم را بر عهده گرفت و اخبار درگذشت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در ضمن کتاب السیرة النبویه آورد.

مغازی اصطلاح دیگری در سیرة نبوی است که به معنای غزوه و نبردهای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌کار رفته و کتاب‌های متعددی با این نام به بررسی نبردهای آن حضرت پرداخته است؛ اما این واژه گاهی در مفهوم کلی‌تر به معنای سیرة نبوی نیز استفاده می‌شود. شاید سبب گستردگی این کاربرد، آن باشد که روایری رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مشرکان مکه را نیز نوعی جهاد شمرده‌اند. عُرْوَة بن زُبَیْر، ابن‌شهاب زُهَری و موسی بن عَقَبَة هریک مجموعه حوادث عصر نبوی را به نام «المغازی النبویه»

۱. راغب، محاضرات ...، ص ۲۴۷.  
 ۲. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۷، ص ۶۲.  
 ۳. ندیم، فهرست، ص ۱۰۳.  
 ۴. همان، ص ۱۸.  
 ۵. نجاشی، رجال، ص ۶۷.  
 ۶. ندیم، فهرست، ص ۱۱۱.  
 ۷. طه، ۲۱.



به خامهٔ تحریر در آورده‌اند.<sup>۱</sup> گاهی برعکس، «سیره» را در مفهوم عام مغازی و نبرد به کار برده‌اند و آن بیشتر در مواردی جلوه می‌کند که از واژه «سیر» استفاده شود.

«سیر» جمع «سیره» و دارای کاربردی مانند سیره است. این واژه در اصطلاح تاریخی هم‌ردیف واژه‌های اخبار و احداث به کار رفته و به تاریخ‌نگاران و عالمان به اخبار و حوادث «اصحاب السیر» گفته شده است. به عنوان مثال، ابومعشر آگاه به احداث و سیر<sup>۲</sup> و جلودی از اخباریان، صاحبان سیر<sup>۳</sup> و راویان آثار و سیر با کتاب‌های متعددی در سیر<sup>۴</sup> معرفی شده‌اند.

واژه «سیر» در اضافه شدن به اشخاص، سبب پدید آمدن کتاب‌هایی مانند سیر اعلام النبلاء اثر ذهبی یا الذهب المسبوك فی سیر الملوك اثر ابن جوزی<sup>۵</sup> شده و حاجی خلیفه<sup>۶</sup> از آن، به علم الآثار یاد کرده که در آن از گفتار، کردار و سیره گذشتگان سخن گفته می‌شود. بررسی‌ها نشان از آن دارد که این واژه به غیر اشخاص نیز اضافه شده و کتاب‌هایی مانند سیر الثغور فی اخبار طرسوس نگاشته عثمان بن عبدالله طرسوسی (م ۴۰۱) یا سیر الخلافه اثر ابویوسف یعقوب بن سلیمان اسفراینی (م ۴۹۸؟)<sup>۷</sup> را پدید آورده است.

فقیهان از این واژه، جنگ اراده کرده‌اند و براساس قرآن و سیره نظامی رسول خدا ﷺ حکم فقهی جنگ و هرگونه مسائل مربوط به امور نظامی را بررسی می‌کنند. فقهای زیدی مذهب مانند اطروش (م ۳۰۴)<sup>۸</sup> و اهل سنت بیشتر به این موضوع پرداخته، کتاب‌های مستقلی به نام «سیر» تدوین کرده یا بابتی به همین نام در مجموعه‌های حدیثی گشوده‌اند. آنان در بیان سبب نام‌گذاری «سیر» گفته‌اند در این نوع کتاب‌ها سیره مسلمانان در برخورد با مشرکان شامل محاربان، پیمان‌داران، مرتدان و نیز باغیان بررسی می‌شود. بدین روی صلاح‌الدین المؤمنین از کتاب‌های «سیر» به قوانین بین‌المللی نظامی تعبیر کرده است.<sup>۹</sup>

۱. کتاب عروه را محمد مصطفی اعظمی با نام مغازی رسول الله ﷺ لعروة بن الزبير و سهیل زکّار کتاب زُهری را با نام المغازی النبویه و حسین مرادی نسب کتاب موسی بن عقبه را با نام المغازی النبویه بازسازی و احیا کرده‌اند.
۲. ندیم، فهرست، ص ۱۰۵.
۳. همان، ص ۱۲۸.
۴. همان، ص ۲۴۶.
۵. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۸۲۹.
۶. همان، ص ۸.
۷. همان، ج ۲، ص ۱۰۱۲-۱۰۱۳.
۸. نک: ندیم، فهرست، ص ۲۴۴.
۹. سرخسی، المسبوط، ج ۱۰، ص ۲؛ همو، شرح السیر الکبیر، ج ۱، مقدمه صلاح‌الدین المنجد، ص ۳۷۸-۳۷۹ و نک: شاکر مصطفی، التاریخ العربی والمورخون، ج ۱، ص ۱۷۱.

واژه سیره گاهی معادل واژه سنت و گاهی اندکی متفاوت از آن است. سنت در لغت مانند سیره به معنای دوام و جریان داشتن چیزی است و دیگر معانی گفته شده برای سنت نیز به این معنای اصلی باز می‌گردد، همان‌گونه که تعبیر «مسنون الوجه» به معنای جریان یافتن گوشت بر چهره است و سنت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به معنای سیره آن حضرت است.<sup>۱</sup> از این‌رو، سنت، سیره، راه و روش مترادف می‌شوند. گستره مفهومی سنت نزد محدثان و اصولیان، آن را شامل گفتار، رفتار، تقریر و سایر ویژگی‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کرده و از گفتار و حدیث رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به سنت گفتاری و از رفتار آن حضرت به سنت عملی یا سیره تعبیر شده است. این تعریف غیر از مفهوم اصطلاحی دانشیان فقه و کلام است، که سنت را به معنای استحباب یا مقابل بدعت به‌کار می‌برند.<sup>۲</sup>

در این پژوهش مراد از سیره، سیره نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام است و مراد از سیره‌نگاری، نگارش سیره است. از این‌رو، کسانی که به مناسبت به سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استدلال کرده یا حسب مورد خبری بیان نموده باشند، سیره‌نگار شمرده نمی‌شوند. به‌عنوان نمونه، امام سجاد علیه‌السلام با اینکه فرموده باشد: «کنا نعلم مغازی النبی و سراياه»، سیره‌نگار شمرده نمی‌شود.

## ۲. پیشینه‌شناسی پژوهش

آثار به نسبت زیادی در دوره‌های اخیر درباره سیره‌نگاری نگاشته شده است، که می‌توان آنها را در مجموع به دو دسته سیره‌نگاری مستقل و تاریخ‌نگاری تقسیم کرد.

اطلاق لفظ سیره‌نگاری سبب انحصار این مطالعات در نگاشته‌هایی درباره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شده و خلأ سیره‌پژوهی در باب زندگانی ائمه علیهم‌السلام را ملموس‌تر کرده است. سیره‌پژوهی در غرب گونه‌ای از این آثار است، که رویکرد غربیان را به زندگانی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آثار مربوطه نشان می‌دهد. مجمع جهانی تقریب کتابی با نام سیره‌پژوهی در غرب تألیف مرتضی کریمی‌نیا مشتمل بر مقالات متعددی از شرق‌شناسان، از جمله مقاله «گرایش‌ها و روش‌ها در مطالعات سیره» را منتشر کرده است.

جریان‌شناسی در سیره‌نگاری گونه دیگری از آثار مستقل است، که به مطالعه برخی جریان‌ها

۱. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۶۰.

۲. برای اطلاع بیشتر نک: باجی، التعديل والتجريح، ج ۱، ص ۱۴-۱۷؛ عبدالمنعم، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه، ج ۲، ص ۲۹۷-۲۹۹؛ جناتی، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، ج ۱، ص ۷۵. تقریر یعنی سکوت آگاهانه معصوم علیه‌السلام در برابر عمل دیگری به شرط فقدان مانع برای اظهار نظر. گویا سکوت در این حالت، به منزله اقرار به صحت عمل است.

اختصاص می‌یابد. به‌عنوان مثال، جعفریان عوامل تحریف در سیره‌نگاری را برجسته کرد<sup>۱</sup> و رزمجو در مقاله‌ای نزدیک به همان سبک و محتوا، «مؤلفه‌های تأثیرگذار بر جریان سیره‌نگاری پیش از عصر تدوین» را منتشر نمود.<sup>۲</sup> ماهر جَرّار نیز با انتشار مقاله «سیره اهل الکساء» با رویکرد انتقادی به نخستین منابع شیعی درباره زندگی رسول خدا ﷺ بر مغازی ابان احمر تمرکز کرده است.<sup>۳</sup>

گونه سوم از این دست آثار، بررسی کلی سیره‌نگاشته‌ها است. هوروفتس در کتاب المغازی الاولی و مؤلفوها سیره‌نگاران نخستین را به اجمال و بدون توجه به سیره‌نگاران شیعی و صحابی بررسی کرده است. محمد طیبی با نگارش مقاله «سیره‌نگاری در تاریخ اسلام» چنین موضوعی را در دو محور عوامل پیدایی و شکوفایی و نیز ویژگی‌های سیره‌نگاشته‌ها به اجمال مروری توصیفی داشته و به ارائه فهرستی ناقص از سیره‌نویسان بسنده کرده است.<sup>۴</sup>

کتاب‌های فراوانی نیز در دوره‌های اخیر، ذیل بررسی دانش تاریخ یا معرفی مورخان مسلمان به سیره‌نگاری پرداخته‌اند. تک‌نگاشته‌هایی نیز به معرفی مهم‌ترین آثار موجود و بزرگ‌ترین آفرینندگان آثار تاریخی روی آورده شخصیت، نگرش و نگارش، شیوه‌ها، رویکردها، آثار و مسائلی از این قبیل را درباره آنان بررسی کرده‌اند، اما نقش سیره‌نگاری اصحاب امامان (علیهم‌السلام) در عرصه سیره نبوی و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)، همچنان نادیده گرفته شده و گویا برخی از آنان نه تاریخ‌نگاشته‌ای داشته و نه در تحولات سیره‌نگاری نقشی ایفا کرده‌اند.

نمونه‌هایی از این تاریخ‌نگاری‌ها براساس نام مؤلف عبارت است از:

- آیین‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی؛
- امین مصری، التاریخ والمؤرخون فی عصر العباسی؛<sup>۵</sup>
- جرجی زیدان، تاریخ التمدن اسلامی ترجمه شده با نام تاریخ تمدن اسلام؛
- خاطوم، المدخل الی التاریخ؛
- روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام؛

۱. نک: جعفریان، «اشاراتی به عوامل تحریف در سیره‌نگاری»، نور علم، ش ۴۹، ص ۱۱۰-۱۲۰.  
 ۲. نک: رزمجو، «مؤلفه‌های تأثیرگذار بر جریان سیره‌نگاری پیش از عصر تدوین»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ش ۱۸، ص ۳۸-۴۳.  
 ۳. جَرّار، «سیره اهل الکساء»، هفت آسمان، ش ۳۲، ص ۱۹۷-۲۳۸.  
 ۴. نک: طیبی، «سیره‌نگاری در تاریخ اسلام»، نامه تاریخ پژوهان، ش ۸ و ۹، ص ۱۲۷-۱۳۹.  
 ۵. نک: امین مصری، ضحی الاسلام، ج ۲، ص ۳۱۹-۳۳۶.

- سجادی و عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام؛
- شاکر مصطفی، التاريخ العربی والمؤرخون؛
- صائب عبدالحمید، علم التاريخ و مناهج المؤرخین؛
- عبدالعزيز الدوری، بحث فی نشأة علم التاريخ عند العرب؛
- عبدالعزيز السالم، التاريخ والمؤرخون العرب؛
- محمد حسن عبدالغنی، علم التاريخ عند العرب.

در سال‌های اخیر جعفریان با دریافت این گمشده تاریخی نمونه‌هایی از آثار تاریخی شیعه را در مقدمه کتابش به نام سیره رسول خدا ﷺ<sup>۱</sup> به طور اجمال در چند صفحه محدود بررسی کرده و سپس در مقاله‌ای به نام «تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»<sup>۲</sup> آن را کامل‌تر کرده است. او در تکمیل این کار، مغازی عثمان بن ابان احمر را گرد آورد تا راه را برای پژوهش‌های گسترده‌تر در تبیین نقش شیعه فراهم آورد. تعداد آثار تولید شده پس از وی شاهد تأثیرگذاری او در این عرصه است، آثاری که در ادامه به آن اشاره می‌شود. ایشان افزون‌بر گستره زمانی، فشارهای سیاسی را عامل کناره‌گیری شیعه از تاریخ‌نگاری و تلاش برای حفظ اعتقادات خود دانسته است. در حالی که این پژوهش با پذیرش نسبی فرضیه فشار سیاسی، معتقد به تک‌علتی بودن این پدیده نیست و عوامل دیگر را نیز در کنار آن بررسی کرده است.

اندکی پیش از وی کسانی به همین انگیزه؛ ولی در سطح تمام علوم رایج در صدر اسلام این کار را در سه محور اوایل‌نگاری، شخصیت‌شناسی و کتاب‌شناسی به شرح ذیل انجام دادند، ولی هیچ‌کدام به طور مستقیم به دانش تاریخ و به طور خاص به سیره‌نگاری پرداختند:

سیدحسن صدر (م ۱۳۵۴ق) در مقابله با این غفلت تاریخی قدمی فراتر از تبیین نقش شیعه برداشت و با تدوین کتاب تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام به نوعی به اوایل‌نگاری موضوعی روی آورد و شیعه را پایه‌گذار تمام علوم رایج در قرن‌های نخستین اسلام معرفی کرد و برای استحکام فرضیه خویش به نقد نخستین‌ها و بنیان‌گذاران علوم در منابع اهل سنت پرداخت و کتاب خود را با نام الشیعة و فنون الاسلام خلاصه کرد. گرچه این موضوع اندکی به محتوای تحقیق نزدیک می‌شود؛ اما نوعی فهرست استدلالی با دایره همه علوم است، به گونه‌ای که تاریخ یک فصل از فصول

۱. جعفریان، سیره رسول خدا ﷺ، ص ۴۵.

۲. همو، «تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، تاریخ در آینه پژوهش، ۱۳۷۵.

چهارده‌گانه آن است. از سوی دیگر کتاب درصدد اثبات پایه‌گذاری است نه پاسخگویی به پرسش‌های فراوان دیگر؛ مانند پیشینه، جایگاه، علل رویکرد، مبانی، تعامل‌های علمی، تأثیرپذیری‌ها و اثرگذاری‌ها و مواردی از این قبیل.

سید محسن امین (۱۳۷۱ق) نیز با همین رویکرد به شخصیت‌شناسی شیعیان روی آورد و کتاب اعیان الشیعه را نوشت. او در این کتاب شرح حال شیعیان و زندگی‌نامه آنان را بررسی کرد و نوعی دائرةالمعارف تاریخ تشیع را با محوریت اشخاص تدوین نمود. شرح حال‌نگاری او در قلمرو زمانی گسترده، موجب بالا بودن حجم کتاب و دارندگی آگاهی‌های ریزی شده که در مواردی به آن استناد شده؛ ولی دغدغه‌های اصولی یک پژوهش علمی را در ریزمسئله‌ای مانند نقش اصحاب، پوشش نمی‌دهد.

آقابزرگ تهرانی (م ۱۴۰۳) با تدوین کتاب الذریعه عموم آثار قلمی منسوب به شیعه را در سیزده قرن گذشته فهرست کرد و بدین ترتیب دائرةالمعارف مهمی را به وجود آورد که از منابع این کتاب به‌شمار می‌رود. اما طبیعی است که فهرست کردن تمام آثار شیعه در همه علوم رایج در طول سیزده قرن کاری بس بزرگ و دشوار است، اما نمی‌تواند پرسش‌های مربوط به یک مسئله پژوهشی را پاسخ دهد.

نگاه توسعه‌ای در تعریف شیعه و صحابی نکته دیگری است که در سه کتاب بالا مشترک است. به نظر می‌رسد صدر به نوعی معتقد است که صحابی تعریف محدودی دارد و جز اندک افراد برجسته را شامل نمی‌شود و از این رو، همین که شخصی در شمار اصحاب امام (علیه السلام) قرار گیرد، امامی و دربردارنده نوعی مدح است. با این تعریف کسانی مانند ابن اسحاق و واقدی را شیعه شمرده‌اند. دلیل بر این سخن، آنکه علمای رجال، مذهب راوی را مگر در موارد تردیدآمیز بیان نمی‌کنند و بنابراین، جز مواردی اندک همه اصحاب و راویان امامی مذهب هستند. دلیل دیگر آنکه تنها به صرف ارتباط و اخذ روایت از امام (علیه السلام) دلیل بر عدالت راوی است.<sup>۱</sup> صدر با همین نگاه همه اصحاب امامان (علیهم السلام) را شیعه و بنیان‌گذاران علوم در جهان اسلام خوانده و کتاب تأسیس الشیعه را تدوین کرده است. گویا امین و آقابزرگ تهرانی نیز حرکت علمی صدر را در شناخت شیعه با همان نگاه توسعه‌ای ادامه داده‌اند.

به احتمال، دلیل صدر برگرفته از روایاتی باشد که در آنها امام (علیه السلام) اصحاب خود را مدح کرده

۱. صدر، نهاية الدرايه، ص ۴۲۸.

آنان را پرهیزکار، خداترس و امیدوار به پاداش الهی معرفی نموده.<sup>۱</sup> اما مفهوم صحابه در این دست روایات به معنای شیعه خاص است. افزون بر این، اشکال‌های محتوایی در این کتاب‌ها، سبب بی‌اعتمادی به برخی تحلیل‌ها و گزاره‌های آنها می‌شود. تحلیل‌هایی که گاه برخاسته از همان تقابل «همه از ما و هیچ از شما» در میان دو طرف شیعی و سنی است که از آن به استبداد علمی یاد می‌شود. برای نمونه: وفور استفاده یاقوت از کتاب‌های هشام کلبی این سخن را به نقد می‌کشد که غفلت یا تعصب ضد شیعی یاقوت سبب شده تا او از جغرافی‌شناسی مانند هشام کلبی خبری نقل نکند و تنها به این سخن اکتفا کند که از «اشتقاق البلدان» او با خبر است.<sup>۲</sup>

در این میان، روشمندترین اثر، کتاب میراث مکتوب شیعه اثر سیدحسین مدرسی است، که با هدف بررسی نقش شیعه در سه قرن نخست هجری، برخی اخبار آنان را در منابع بعدی ره‌گیری کرده و به شناسایی محتوای کتاب‌ها نزدیک شده است. این کتاب گرچه به لحاظ زمان محدود است، اما گستره آن به همه علوم در عموم رشته‌ها شامل صحابی و غیرصحابی می‌رسد. با این حال صحابیانی نادیده گرفته شده و با عدم ورود به محورهایی که در این تحقیق به آنها پرداخته می‌شود، پرسش‌های مربوطه را پوشش نداده است.

پس از جعفریان کسانی به‌طور مستقیم به بررسی نقش شیعه در تاریخ‌نگاری پرداختند و کتاب‌ها یا مقاله‌هایی را تدوین کردند. برخی از این آثار عبارت است از:

معجم مؤرخ‌های شیعه ... حتی نه‌ایه القرن الرابع عشر اثر صائب عبدالحمید (معجم مؤرخ‌های شیعه، قم: مؤسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی) و تاریخ‌نگاران شیعه تا پایان قرن هفتم، اثر علی امامی فر (۱۳۸۳، قم: پارسایان) و همچنین تاریخ‌نگاران امامیه تا قرن هفتم هجری از منصوره بخشی (۱۳۹۳، قم: جامعه الزهراء) کتاب‌هایی هستند که نام مورخان را همراه با آثارشان در یک بازه زمانی گسترده به اجمال وصف کرده‌اند. سیدمحمدحسین میرعبداللهی نیز چنین کاری را در موضوع تراجم و رجال انجام داده و اثری به نام آثار شیعیان امامی در تراجم و رجال از قرن‌های پنجم تا هفتم هجری (۱۳۸۸، قم: مؤسسه امام خمینی) به وجود آورده است. اثر التشیع فی الروایات التاریخیه فی القرن الاول الهجری را نیز محمد نورولی بر ضد شیعه نگاشته و محمد غفوری آن را در نقش شیعه در تاریخ‌نگاری اسلامی (۱۳۹۴، تهران: مشعر) نقد کرده است.

۱. نک: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۶ و قاضی نعمان، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۰۳.

۲. صدر، الشيعة و فنون الاسلام، ص ۸۹-۹۱ و از او امین، اعیان الشيعة، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۵۸ بدون ارجاع به صدر.